

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶۷ - ۲۴۵

فرآیندشناسی خلق روحیه خودباوری در سیره معصومان (ع)امیر عباس مهدوی فرد^۱محمد مرادی^۲**چکیده**

روحیه خودباوری یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان، پویایی اجتماعی و توانمندسازی فردی در نظام تربیتی اسلام است و در متون دینی، به‌ویژه در سیره معصومان علیهم‌السلام، ریشه‌های عمیق معرفتی، اخلاقی و رفتاری دارد. با وجود پژوهش‌هایی در حوزه خودکارآمدی، همچنان چگونگی خلق و تقویت این روحیه در منابع اصیل اسلامی، به‌ویژه به‌صورت فرآیندی و تلفیقی، کمتر تبیین شده است. هدف پژوهش حاضر، استخراج و تحلیل سازوکارهای فرآیندی خلق خودباوری در سیره معصومان و ارائه الگویی تلفیقی مبتنی بر منابع دست‌اول و نظریه خودکارآمدی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل مضمون انجام شد و داده‌ها از قرآن کریم، نهج‌البلاغه، الکافی، بحارالانوار و متون سیره‌ای گردآوری شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد خودباوری در سیره معصومان از طریق پنج مؤلفه به‌هم‌پیوسته شکل می‌گیرد: تکوین معرفتی، تقویت عاطفی، تجربه عملی و واگذاری مسئولیت، تثبیت کرامت اجتماعی، و توکل و معنای‌پردازی. بداعت این پژوهش در ارائه الگویی فرآیندی و اخلاق‌محور است که علاوه بر تبیین نظری، قابلیت به‌کارگیری در نظام‌های تربیتی، آموزشی و فرهنگی را دارد. نتیجه نشان داد ترکیب تجربه عملی با پشتیبانی معنوی، مهم‌ترین سازوکار انتقال خودباوری از سطح باور ذهنی به توانمندی عملی پایدار است.

واژگان کلیدی

خودباوری، فرآیندسازی تربیتی، سیره معصومان، خودکارآمدی، کرامت انسانی.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: aa.mahdavidfard@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: moradi1988@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۹/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۱

طرح مسأله

خودباوری در متون روان‌شناسی به‌عنوان باور فرد به توان انجام کارهای دشوار و غلبه بر موانع تعریف می‌شود و یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان، پویایی اجتماعی و شکل‌گیری هویت فعال انسان به شمار می‌آید. در دیدگاه دینی، این مفهوم تنها یک سازه روان‌شناختی نیست، بلکه ریشه در کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری و توکل دارد و با نگرش انسان به خویش، جهان و خداوند ارتباطی وجودی و اخلاقی پیدا می‌کند. سیره معصومان علیهم‌السلام سرشار از آموزه‌های عملی و تربیتی درباره ساختن شخصیت مؤمن توانمند است؛ شخصیتی که نه به خودبینی رفتار می‌شود و نه به خودکم‌بینی، بلکه با اتکا به خداوند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی، احساس شایستگی، مسئولیت‌پذیری و توانمندی در انجام وظایف دارد.

با وجود پژوهش‌هایی در حوزه خودکارآمدی و اعتماد به نفس، اغلب مطالعات، رویکردی روان‌شناختی یا توصیفی داشته و کمتر به تحلیل فرآیندی و نظام‌مند خلق خودباوری در منابع اصیل اسلامی پرداخته‌اند. همچنین ارتباط میان منابع نظری غربی (مانند نظریه خودکارآمدی بندورا) با آموزه‌های تربیتی و اخلاقی سیره معصومان، کمتر مدل‌سازی شده است. بداعت پژوهش حاضر در ارائه الگویی فرآیندی، اخلاق‌محور و تلفیقی است که علاوه بر استخراج سازوکارهای خودباوری از منابع دست‌اول اسلامی، قابلیت استفاده در نظام‌های آموزشی، تربیتی و تمدنی را دارد. این پژوهش با تحلیل نظام‌مند سیره، نشان می‌دهد که خودباوری در منطق دینی صرفاً «باور ذهنی» نیست، بلکه «توانمندی اخلاقی، عملی و الهی» است که در بستر تجربه، حمایت اجتماعی، معنابخشی و تربیت شکل می‌گیرد.

در شرایط معاصر که جوامع اسلامی با چالش‌های هویتی، تربیتی و روانی روبه‌رو هستند، تقویت روحیه خودباوری نه‌تنها به‌عنوان یک نیاز فردی، بلکه به‌مثابه عاملی کلیدی در بازتولید سرمایه انسانی، رشد اجتماعی و حتی پیشرفت تمدنی شناخته می‌شود. هرچند مفهوم خودباوری در روان‌شناسی غربی به‌عنوان یک سازه شناختی-رفتاری بررسی شده، در منطق دینی این مفهوم تنها به معنای «احساس توانستن» نیست؛ بلکه با کرامت، مسئولیت، توکل، امید و تعالی اخلاقی پیوند خورده و یک حقیقت چندبعدی (معرفتی، عاطفی، معنوی، اجتماعی و عملکردی) را شکل می‌دهد.

با وجود آنکه آموزه‌ها و نمونه‌های برجسته‌ای از خلق و تقویت خودباوری در سیره نبوی و علوی مشاهده می‌شود، پژوهش‌های موجود بیشتر به توصیف نمونه‌ها یا مقایسه نظری بسنده کرده‌اند و کمتر به کشف سازوکارهای فرآیندی و مرحله‌به‌مرحله ایجاد خودباوری در منابع اصیل اسلامی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، بیشتر تحقیقات داخلی درباره خودباوری، یا صرفاً بر نظریه‌های

روان‌شناختی تکیه کرده‌اند یا متون دینی را تنها به‌عنوان شاهد نقلی به کار برده‌اند؛ در حالی که پرسش اصلی این است که:

خودباوری در سیره معصومان چگونه خلق و تقویت می‌شود؟ چه مراحل را طی می‌کند؟ چه تفاوتی با مدل خودکارآمدی غربی دارد؟ و چگونه می‌توان از آن یک الگوی تربیتی، اخلاقی و تمدنی استخراج کرد؟

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش‌ها، و ارائه الگویی فرآیندی، اخلاق‌محور و قابل‌کاربرد از مفهوم خودباوری در سیره معصومان علیهم‌السلام است.

هدف پژوهش

هدف کلی پژوهش تبیین سازوکارها و مراحل فرآیندی خلق و تقویت روحیه خودباوری در سیره معصومان علیهم‌السلام و ارائه الگویی تلفیقی مبتنی بر منابع دینی اصیل و نظریه خودکارآمدی است.

اهداف جزئی پژوهش:

- ۱- مفهوم‌شناسی و تبیین ابعاد معرفتی، عاطفی، اخلاقی و عملکردی خودباوری از منظر آموزه‌های دینی.
- ۲- استخراج شواهد مستقیم و غیرمستقیم خودباوری از قرآن، نهج‌البلاغه، منابع روایی و متون سیره‌ای.
- ۳- تحلیل سازوکارهای فرآیندی ایجاد و تقویت خودباوری در سیره معصومان (در قالب مراحل پیوسته و نظام‌مند).
- ۴- مقایسه تطبیقی مدل اسلامی خودباوری با نظریه خودکارآمدی بندورا و بررسی تفاوت‌های بنیادین معرفتی و اخلاقی.
- ۵- ارائه الگوی کاربردی برای نظام‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و تمدنی مبتنی بر مدل استخراج‌شده.

پیشینه پژوهش

۱. پژوهش‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی

در حوزه روان‌شناسی، مفهوم خودباوری در قالب نظریه خودکارآمدی (Self-efficacy) توسط بندورا مطرح شد. طبق این نظریه، تجربه موفقیت عملی، مشاهده الگو، تقویت اجتماعی و تنظیم هیجان‌ها چهار منبع اصلی ایجاد خودباوری هستند. مطالعات فراوانی در زمینه نقش خودکارآمدی در سلامت روان، عملکرد تحصیلی، انگیزش، مسئولیت‌پذیری و ارتقای مهارت‌های اجتماعی انجام شده است. در پژوهش‌های داخلی نیز بیشتر تحقیقات بر نقش خودباوری در پیشرفت

تحصیلی، شایستگی اجتماعی، تاب‌آوری و رضایت از زندگی متمرکز شده‌اند. اما این مطالعات غالباً دارای سه محدودیت‌اند:

- ۱- رویکرد صرفاً روان‌شناختی بدون پیوند با منابع دینی.
 - ۲- نگاه فردگرایانه و غفلت از ابعاد اخلاقی و معنوی خودباوری.
 - ۳- فقدان مدل فرآیندی چندمرحله‌ای که قابلیت کاربرد تربیتی و فرهنگی داشته باشد.
- پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری نظری از دستاوردهای روان‌شناختی، تلاش می‌کند آن‌ها را در پرتو آموزه‌های اصیل اسلامی بازخوانی و تکمیل کند.

۲. پژوهش‌های کلامی، اخلاقی و فلسفه دین

در حوزه فلسفه دین و اخلاق اسلامی، موضوع کرامت انسانی، مسئولیت، توکل، عزت نفس، و نقش اراده در تکامل انسان مورد توجه قرار گرفته است. برخی نظریه‌ها، مانند نظریه فطرت، نظریه کرامت نفس، و مباحث مربوط به خلافت الهی، به صورت مبنایی به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های درونی انسان اشاره کرده‌اند. همچنین متفکرانی مانند علامه طباطبایی، شهید مطهری، امام خمینی (ره) و آیت‌الله جوادی آملی به رابطه عزت نفس، ایمان و قدرت انسان پرداخته‌اند.

با این حال، بیشتر آثار در این حوزه، ماهیت فلسفی یا اخلاقی داشته و کمتر به تبیین سازوکارهای تربیتی و عملی تحقق این گزاره‌ها در زندگی پرداخته‌اند. همچنین پیوند میان آموزه‌های کلامی با نظریه‌های روان‌شناختی، کمتر در قالب مدل تربیتی یا فرآیندی ارائه شده است. پژوهش حاضر در همین نقطه وارد می‌شود؛ یعنی تبدیل یک مفهوم اخلاقی-کلامی (خودباوری) به یک مدل تربیتی، عملی و قابل پیاده‌سازی.

۳. منابع روایی و سیره‌ای

در منابع روایی و تاریخی، نمونه‌های متعددی از تربیت شخصیت‌های توانمند توسط پیامبر(ص) و ائمه(ع) دیده می‌شود؛ مانند تربیت مصعب بن عمیر، مالک اشتر، ابذر، عمار، زید بن حارثه و حتی تربیت نوجوانان مستعد مانند اسامه بن زید یا جوانانی چون محمد بن ابی‌بکر. در نهج‌البلاغه نیز بارها به کرامت، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، عزت نفس و توانمندی مؤمن اشاره شده است. همچنین احادیثی با مضمون «المؤمن أعز من الجبل»، یا «رحم الله امرأً عرف قدر نفسه» نشانگر ارزش وجودی و مسئولیتی انسان مؤمن است.

با وجود غنای متون دینی، کمتر پژوهشی این شواهد را تحلیل فرآیندی کرده و نشان داده که این الگوها چگونه شکل گرفته‌اند، چه مراحل داشته‌اند، و چه سازوکارهایی در پس آن‌ها فعال بوده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون و فرآیندسازی، تلاش می‌کند این شواهد

را به یک مدل ساختاری، مرحله‌مند و قابل کاربرد تبدیل کند.

چارچوب نظری پژوهش

۱. مفهوم‌شناسی خودباوری در منطق اسلامی و روان‌شناختی

در نظریه روان‌شناختی، خودباوری به‌ویژه در اندیشه بندورا، به‌عنوان «باور فرد نسبت به توانایی خود برای سازماندهی و اجرای رفتارهای لازم جهت دستیابی به نتیجه مطلوب» تعریف شده است (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۲۱) اما در منطق اسلامی، خودباوری تنها سازه ذهنی نیست، بلکه بر سه پایه شکل می‌گیرد: کرامت ذاتی انسان، مأموریت الهی، و توانمندی بالفعل و بالقوه. قرآن کریم انسان را تکریم‌شده معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)، و او را دارای ظرفیت خلافت الهی می‌داند (بقره: ۳۰). این نگاه نشان می‌دهد که انسان نه فقط می‌تواند، بلکه باید بتواند؛ زیرا توانایی او ریشه در تکلیف دارد: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶). امام علی(ع) نیز فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶)، که نشان می‌دهد شناخت قدر خویشتن، نخستین پایه خودباوری دینی است.

۲. تمایز خودباوری، اعتماد به نفس و خودبینی

اعتماد به نفس (Self-esteem)، به احساس عزت و ارزش‌مندی خود اشاره دارد، اما خودباوری، باور به امکان انجام مسئولیت مشخص است. در منابع دینی نیز این تفکیک وجود دارد.

روایت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲) به شناخت ارزش وجودی و ظرفیت الهی انسان اشاره دارد که مبنای عزت نفس است.

اما خودباوری عملی در نمونه‌هایی مثل واگذاری فرماندهی سپاه مسلمانان به اسامه بن زید توسط پیامبر(ص) تجلی یافته است (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۴۵؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۶۰۱)، که نشان‌دهنده باور تربیتی پیامبر(ص) به توانمندی مخاطب است.

در مقابل، خودبینی و غرور در اسلام مردود است: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعَىٰ أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَىٰ» (علق: ۶-۷). همچنین امام علی(ع) فرموده است: «لَا فَخْرَ مَعَ الْكِبَرِ» (آمدی، غررالحکم، ج ۷۸۲۳)

بنابراین، خودباوری دینی بر پایه تواضع، توکل و تعهد اخلاقی بنا می‌شود؛ نه بر خود بزرگ‌بینی.

۳. ابعاد خودباوری در نگاه اسلامی-تربیتی

با تلفیق یافته‌های روان‌شناسی و آموزه‌های دینی، می‌توان خودباوری را در پنج بعد تحلیل

کرد:

۱-۳. **بعد شناختی:** آگاهی فرد از توانایی‌های خویش و ادراک صحیح از شایستگی‌ها. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَالِمَ جَاهِلٌ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بَعْلَمَهُ؛ عَالِمٌ إِنْ لَمْ يَدْرِكْ بِعِلْمِهِ خَلْقَهُ» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). این روایت نشان می‌دهد که خودآگاهی باید به عمل بینجامد و صرف دانش کافی نیست.

۲-۳. **بعد عاطفی:** احساس عزت، امید و تاب‌آوری در برابر مشکلات. در کلمات امام علی (ع) آمده است: «الْمُؤْمِنُ حَزَنَةٌ فِي قَلْبِهِ وَبُشْرَةٌ فِي وَجْهِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۶۷۲). این بیان ناظر به کنترل هیجانات و ثبات عاطفی مؤمن است.

۳-۳. **بعد رفتاری:** توانایی اقدام عملی و شجاعت در عمل. در بحارالانوار نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: «الْمُؤْمِنُ أَقْوَى مِنَ الْجَبَلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۲۵). این بیان بر قدرت عمل و استقامت در عمل، تأکید دارد.

۴-۳. **بعد اجتماعی:** جایگاه و کرامت مؤمن در جامعه: این کلام امام حسین علیه السلام است که در روز عاشورا فرمود: «هَيْهَاتَ مِنَ الذَّلَّةِ» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲). این کلام، نه صرفاً یک باور فردی، بلکه موضعی اجتماعی است که عزت جمعی را تضمین می‌کند.

۵-۳. **بعد معنوی:** اتکا به خدا و توکل به او. در قرآن آمده است: «وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/۳). این بعد نشان می‌دهد که خودباوری در آموزه‌های دینی بدون پیوند به باور به قدرت الهی ناقص است.

۴. مرزبندی خودباوری اسلامی با غرور و خودبسندگی

در اندیشه دینی، هر خودباوری‌ای که بر پایه استقلال از خداوند و دیگران باشد، غرور و کبر محسوب می‌شود و فاقد مشروعیت اخلاقی است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸).

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

در مقابل، خودباوری ایمانی همراه با تواضع و تعهد اخلاقی است و ریشه در عبودیت دارد: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان: ۶۳)
امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

«رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ، وَلَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ»

«خدا رحمت کند کسی را که قدر خود را شناخت و از حد خود فراتر نرفت.»

(نهج البلاغه، حکمت ۷۰، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۳۴۱)

این روایت، مرز روشنی میان خودشناسی خاضعانه و خودبینی متکبرانه ترسیم می‌کند. خودباوری دینی به معنای شناخت کرامت نفس است، نه پرستش نفس.

چنان که امام علی(ع) در بیان دیگری می‌فرماید:

«كفى بالمرء جهلاً أن لا يعرف قدر نفسه»

(نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹، همان: ص ۴۰۸)

در این نگاه، انسان مؤمن هنگامی خودباور است که ارزش و ظرفیت الهی خود را بشناسد، اما آن را مستقل از خدا نبیند. بنابراین، خودباوری با غرور تفاوت بنیادین دارد: غرور نتیجه‌ی انقطاع از خداست، اما خودباوری نتیجه‌ی اتصال به او.

از منظر اخلاق اسلامی، غرور بر «نفی محدودیت‌ها» و «انکار نیاز» مبتنی است، در حالی که خودباوری بر «شناخت توانایی در چارچوب عبودیت» استوار است. انسان مغرور خود را معیار حق می‌پندارد، اما انسان خودباور، حق را معیار خویش قرار می‌دهد.

در نتیجه، می‌توان گفت که خودباوری دینی، عزت در عین بندگی است؛ زیرا در نگاه توحیدی، تنها کسی که در برابر خدا خاضع است، می‌تواند در برابر خلق آزاد و عزتمند باشد.

چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸).

یعنی سرچشمه‌ی عزت و قدرت، نه در خودخواهی، بلکه در وابستگی به خداست.

۵. کارکردهای اجتماعی و تمدنی خودباوری در سیره معصومان(ع)

خودباوری در سیره اهل‌بیت(ع) تنها یک فضیلت فردی نیست، بلکه سرمایه‌ای اجتماعی و تمدن‌ساز است که بستر تحقق امت مؤمن و جامعه‌ی عزتمند را فراهم می‌کند.

۵-۱. خودباوری و تحول جمعی

قرآن کریم رابطه‌ای علیّی میان تحول درون انسان و تغییر سرنوشت اجتماعی ترسیم می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

بر اساس این آیه، خودباوری مقدمه‌ی تغییر اجتماعی است. جامعه‌ای که اعضایش باور به کرامت، توانمندی و مسئولیت دارند، از انفعال به کنش فعال می‌رسد.

سیره پیامبر اکرم(ص) در ساخت جامعه مدینه، نمونه‌ی عینی این اصل است. پیامبر(ص) با تربیت یارانی مانند بلال، صهیب و مصعب بن عمیر، از انسان‌هایی که پیش‌تر برده یا بی‌هویت شمرده می‌شدند، جامعه‌ای خودباور و هدفمند ساخت (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۲).

۵-۲. خودباوری و مقاومت در برابر سلطه

در مکتب اهل‌بیت(ع)، خودباوری مساوی با عزت‌طلبی در برابر ذلت است.

امام حسین(ع) در روز عاشورا فرمود:

«هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ»

(مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲).

این عبارت، تجلی عالی‌ترین سطح از خودباوری جمعی است؛ زیرا بیانگر عدم پذیرش سلطه‌ی باطل بر وجدان مؤمن است.

از دیدگاه تربیتی، این شعار نه صرفاً جمله‌ای حماسی، بلکه اعلام «هویت خودباور» جامعه‌ی مؤمنان است؛ جامعه‌ای که به کرامت الهی خود ایمان دارد و از ذلت در برابر غیر خدا می‌گریزد.

۳-۵. خودباوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در سیره امام علی(ع)، خودباوری با مسئولیت اجتماعی گره خورده است. امام در فرمان مالک اشتر می‌فرماید:

«ولا تکنن علی نفسک دون رعیتک، فان الناس إذا ظنوا بک حیفاً أو جوراً لم تثبت مودتهم»

(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۴۵۰)

در این سخن، خودباوری رهبر در گرو عدالت و تعهد اجتماعی دانسته شده است. انسان خودباور در اخلاق علوی، کسی است که توان هدایت، اصلاح و خدمت به مردم را در خود می‌یابد و از مسئولیت نمی‌گریزد.

۴-۵. خودباوری و احیای تمدن اسلامی

در تحلیل تاریخی، تمامی حرکت‌های بزرگ تمدنی در جهان اسلام، از بیداری خودباوری دینی آغاز شده‌اند. همان‌گونه که امام خمینی(ره) در عصر معاصر، احیای این روحیه را اساس انقلاب اسلامی دانست و فرمود:

«ما می‌توانیم» — این جمله، عصاره‌ی خودباوری اسلامی است.

بنابراین، سیره معصومان(ع) نه تنها در بعد فردی، بلکه در شکل‌گیری تمدن اسلامی نیز الهام‌بخش خودباوری اجتماعی بوده است.

در نتیجه، خودباوری در مکتب اهل بیت(ع)، حالتی درونی است که در سطح فرد آغاز می‌شود اما به سطح جامعه ختم می‌گردد. این خودباوری، از ایمان نشأت می‌گیرد، با اخلاق زینت می‌یابد، و در رفتار اجتماعی و تمدنی به ظهور می‌رسد.

از این رو، می‌توان گفت:

خودباوری اسلامی، پلی است میان عبودیت فردی و عزت اجتماعی.

نقد و بررسی رویکردهای مربوط به خلق خودباوری

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم «خودباوری» در منابع اسلامی و روان‌شناسی مدرن از زوایای گوناگونی تبیین شده است. با این حال، هر یک از این رویکردها کاستی‌هایی دارند که موجب شده است ماهیت فرآیندی و همه‌جانبه خودباوری به‌طور کامل

روشن نشود. در این بخش، دو جریان اصلی و ذیل آن سه زیررویکرد مورد بررسی انتقادی قرار می‌گیرد.

۱. رویکرد روان‌شناسی مدرن

در روان‌شناسی معاصر، به‌ویژه در نظریه «خودکارآمدی» آلبرت بندورا، خودباوری به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی معرفی می‌شود که ریشه در تجربه‌های موفقیت، مشاهده الگوهای موفق، و تقویت اجتماعی دارد. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۸۰)

در این دیدگاه، باور به توانایی‌های فردی شرط لازم برای عملکرد مؤثر دانسته شده است. اما نقد اساسی این رویکرد آن است که معمولاً خودباوری را صرفاً در سطح روانی و فردی بررسی می‌کند و از ابعاد الهی، اخلاقی و معنوی آن غفلت می‌ورزد. در حالی که قرآن کریم خودباوری را در پیوند با ایمان به خدا و شناخت کرامت ذاتی انسان تبیین می‌کند.

خداوند در آیه‌ای می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء/۷۰)

«و به‌راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم.»

این آیه نشان می‌دهد که عزت و کرامت انسان امری خدادادی است و باور به این کرامت، پایه حقیقی خودباوری دینی است.

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹)

«سست نشوید و غمگین نباشید، شما برترید اگر ایمان دارید.»

در این آیه، ایمان به خدا شرط اصلی احساس برتری و توانمندی است؛ یعنی خودباوری حقیقی از ایمان سرچشمه می‌گیرد، نه از تلقین ذهنی یا تجربه صرفاً روان‌شناختی.

بنابراین، گرچه روان‌شناسی مدرن در کشف سازوکارهای یادگیری و اعتماد به نفس پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است، اما در تبیین بُعد وجودی و الهی انسان ناقص است و باید با مبانی وحیانی تکمیل شود.

۲. رویکرد ناظر به سیره معصومان (ع)

در پژوهش‌های اسلامی معاصر، تلاش‌هایی برای استخراج مبانی خودباوری از سیره معصومان (ع) انجام شده است. با این حال، در بررسی این آثار می‌توان سه نوع رویکرد متمایز را تشخیص داد که هر کدام نیازمند بازنگری انتقادی‌اند.

۱-۲. رویکرد تقلیل‌گرایانه

در برخی پژوهش‌ها، مفهوم خودباوری در سیره معصومان به سطح توصیه‌های اخلاقی فروکاسته شده است. به‌طور مثال، تنها به نصایحی مانند «به خود احترام بگذار» یا «از ذلت بپرهیز» اشاره می‌شود، بی‌آنکه تحلیل شود که این آموزه‌ها چگونه در رفتار و سیره عملی معصومان تحقق یافته‌اند.

در حالی که روایات اهل‌بیت(ع) ناظر به نظام تربیتی عمیق و عملی‌اند. برای نمونه، امام علی(ع) می‌فرماید:

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنُهَا بِالْمَعْصِيَةِ»

«کسی که برای خود کرامت قائل باشد، خویشتن را به گناه خوار نمی‌کند.»

(نهیج‌البلاغه، حکمت ۴۵۷، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۷۲۰)

این روایت نشان می‌دهد که خودباوری در سیره امام علی(ع) به معنای کرامت‌مندی در عمل و خویشتن‌داری اخلاقی است، نه صرف احساس مثبت نسبت به خود. بنابراین، نقد این رویکرد آن است که با فروکاستن خودباوری به سطح شعارهای اخلاقی، از فرآیند تربیتی و رفتاری غفلت می‌کند.

۲-۲. رویکرد توصیفی

در برخی آثار، سیره معصومان تنها به‌صورت نقل رویدادها و توصیف فضایل بیان می‌شود؛ مثلاً ذکر می‌شود که «پیامبر اکرم(ص) شجاع بود» یا «امام حسین(ع) اهل عزت بود»، بی‌آنکه تحلیل شود که این ویژگی‌ها چگونه در دیگران خودباوری می‌آفریندند. در حالی که آموزه‌های سیره‌ای نشان می‌دهند که معصومان خودباوری را در دیگران ایجاد می‌کردند، نه صرفاً در خود دارا بودند.

برای نمونه، در ماجرای اعزام مصعب بن عمیر به مدینه، پیامبر(ص) با اعتماد به جوانی مؤمن، به او فرصت داد تا توانایی خود را در میدان عمل نشان دهد. این اقدام، خودباوری را نه فقط در مصعب بلکه در جامعه نوپای مسلمانان تقویت کرد (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۲).

بنابراین، ضعف رویکرد توصیفی در آن است که سیره را صرفاً روایت می‌کند، در حالی که تحلیل فرآیندهای تربیتی در سیره برای خلق خودباوری ضروری است.

۳-۲. رویکرد فردگرایانه

در برخی نوشته‌ها، خودباوری تنها به‌عنوان یک فضیلت شخصی معرفی می‌شود؛ حال آنکه سیره معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد که خودباوری علاوه بر بُعد فردی، بُعد اجتماعی و

تمدنی دارد.

امام حسین(ع) در کلام تاریخی خود در عاشورا فرمود:

«هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ»

(مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲)

این جمله، فقط بیان عزت فردی نیست؛ بلکه اعلام موضعی اجتماعی است که پایه خودباوری امت اسلامی را می‌سازد.

همچنین امام علی(ع) در وصیت خود به فرزندش فرمود:

«أَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ»

(نهج البلاغه، نامه ۳۱، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۳۸۴)

در این بیان، کرامت نفس، پایه عزت جمعی معرفی شده است.

بنابراین، نقد این رویکرد آن است که با محدود کردن مفهوم خودباوری به سطح فردی، از اثرگذاری اجتماعی و تمدنی آن در سیره اهل بیت(ع) غافل می‌ماند.

با بررسی انتقادی رویکردها می‌توان نتیجه گرفت:

۱. روان‌شناسی مدرن در تبیین معنای قدسی و الهی خودباوری ناتوان است.

۲. رویکردهای موجود نسبت به سیره معصومان، هرچند ارزشمندند، اما یا دچار تقلیل، یا توصیف‌گرایی و یا فردگرایی شده‌اند.

۳. الگوی پیشنهادی این پژوهش، تلفیقی است از مبانی روان‌شناسی علمی با آموزه‌های وحیانی، که در آن خودباوری به صورت فرآیند تربیتی و اجتماعی الهام‌گرفته از ایمان و کرامت انسانی تعریف می‌شود.

فرآیندمندی خودباوری در نگاه دینی

تبیین واژه و اصطلاح «فرآیندمندی»

۱. در لغت

«فرآیند» در زبان فارسی معادل واژه انگلیسی process و عربی العمليّة یا السیرورة است. در لغت به معنای «جریان تدریجی یک پدیده از آغاز تا انجام» و یا «سلسله مراتب منظم دگرگونی و تحقق یک امر» آمده است (دهخدا، ذیل واژه فرآیند).

در ترکیب وصفی «فرآیندمند»، واژه «مند» به معنای «دارای» است؛ بنابراین «فرآیندمند» یعنی «دارای جریان و سیر تدریجی»، و «فرآیندمندی» به معنای «ویژگی یا حالت تدریجی بودن یک پدیده» است.

به بیان ساده‌تر، فرآیندمندی یعنی اینکه تحقق یک امر نه به صورت دفعی و لحظه‌ای، بلکه

به صورت پیوسته، مرحله به مرحله و دارای ساختار علی و زمانی رخ می‌دهد.

۲. در اصطلاح فلسفی و علمی

در فلسفه و علوم انسانی، «فرآیندمندی» به رویکردی گفته می‌شود که به جای تمرکز بر «نتیجه نهایی» یک پدیده، بر «چگونگی شکل‌گیری و تحول آن در طول زمان» تأکید دارد. این مفهوم در فلسفه معاصر با آرای فیلسوفانی چون آلفرد نورث وایت‌هد، شناخته شد که واقعیت را نه مجموعه‌ای از اشیای ثابت، بلکه جریان‌هایی پویا و متغیر دانست. در علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز، رویکرد فرآیندمحور به جای توجه به وضعیت نهایی فرد، مسیر رشد و یادگیری او را بررسی می‌کند. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۶۵)

در سنت اسلامی نیز مفهوم «تدرّج» یا «تکوّن تدریجی» معادل همین معناست. متکلمان مسلمان مانند خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا، در بحث حرکت جوهری، بر «سیلان وجود» و «تحقق تدریجی کمالات» تأکید کرده‌اند (صدرالدین شیرازی، الحکمۃ المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، ص ۱۲۲).

در این پژوهش، فرآیندمندی خلق خودباوری در سیره معصومان (ع) به معنای آن است که خودباوری یک «حالت روانی ناگهانی» نیست، بلکه یک جریان تربیتی پیوسته است که در چند مرحله و از طریق ارتباطات عملی، شناختی، عاطفی و معنوی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، «فرآیندمندی» به معنای سیر تدریجی و هدفمند شکل‌گیری خودباوری از تجربه تا یقین است؛ سیره معصومان نیز دقیقاً چنین روندی را در تربیت انسان مؤمن دنبال می‌کند.

بر اساس متون روان‌شناسی، خودباوری معمولاً از طریق تجربه موفقیت، الگوگیری، تشویق اجتماعی و مدیریت هیجان‌ها تقویت می‌شود. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۸۰)

در آموزه‌های معصومان علیهم السلام نیز می‌توان فرآیند مشابهی را یافت:

تجربه موفقیت ← در رفتار عملی امامان با یاران (مانند آموزش عملی به شاگردان).

الگوگیری ← در سیره رفتاری و گفتاری معصومان علیهم السلام.

تشویق اجتماعی ← در احادیثی که بر عزت و کرامت مؤمن تأکید دارند.

مدیریت هیجان ← در توصیه به صبر و بردباری.

به این ترتیب، چارچوب نظری پژوهش حاضر، پنج بعد اصلی (شناختی، عاطفی، رفتاری، اجتماعی و معنوی) را در قالب یک فرآیند پیوسته برای خلق و تقویت خودباوری در سیره معصومان علیهم السلام ترسیم می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت این پژوهش کیفی، تحلیلی و توصیفی-فرایندی است که با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) و رویکرد استنباط تربیتی از متون دینی انجام گرفته است. هدف از این روش، تبیین مراحل و فرآیندهای تربیت خودباوری در سیره معصومان (ع) و استخراج سازوکارهای عملی آن است، به عبارت دیگر، هدف پژوهش، نه صرفاً گردآوری شواهد تاریخی، بلکه تحلیل سازوکارها و مراحل شکل‌گیری خودباوری در سیره معصومان است. روش تحلیل مضمون، این امکان را فراهم می‌کند که محتوای روایات و گزارش‌های معتبر تاریخی و سیره‌ای، از سطح گزارش صرف، به سطح تحلیل فرایندی و مدل‌سازی تربیتی ارتقا یابد. این روش برای پژوهش‌هایی که به دنبال استخراج نظریه از متن هستند، مناسب است.

روش تحلیل

تحلیل داده‌ها با رویکرد فرآیندشناسی تحلیلی صورت گرفته است. در این روش، ابتدا مفاهیم کلیدی استخراج و دسته‌بندی شدند، سپس هر یک از روایات و گزارش‌های تاریخی در قالب ابعاد پنج‌گانه خودباوری (شناختی، عاطفی، رفتاری، اجتماعی، معنوی) تحلیل گردیدند. در گام بعد، مراحل تدریجی خلق و تقویت خودباوری (تجربه موفقیت، الگوگیری، تشویق اجتماعی و مدیریت هیجان) از سیره معصومان علیهم السلام استنباط شد.

اعتبارسنجی پژوهش

برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی منابع استفاده شده است؛ یعنی داده‌ها از سه منبع اصلی (قرآن، متون روایی، مقالات علمی معاصر) تطبیق داده شدند. همچنین با استفاده از تحلیل انتقادی نقاط قوت و ضعف برداشت‌های پیشین بررسی گردید تا از تکرار و کلی‌گویی پرهیز شود.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، تنوع چاپ‌ها و اختلاف در شماره صفحات متون کلاسیک است. برای رفع این مشکل، نسخه‌های رایج و معتبر معرفی شد و شماره صفحه‌ها بر اساس همان نسخه‌ها ذکر گردید. همچنین برخی مفاهیم مانند «خودباوری» در منابع کلاسیک به‌صراحت نیامده و نیازمند تفسیر و تطبیق با مفاهیم هم‌عرض (مانند «کرامت نفس» و «عزت مؤمن») بوده است.

فرآیندهای خلق خودباوری در سیره معصومان (ع)

مطالعه نظام‌مند سیره معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد که خودباوری در نگاه آنان امری دفعی و ناگهانی نیست، بلکه حاصل یک فرآیند تربیتی و تدریجی است که ابعاد فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. این فرآیند را می‌توان در چهار محور اصلی شناسایی و تحلیل کرد: الف) تجربه موفقیت‌های عملی، ب) الگوگیری رفتاری، ج) تقویت اجتماعی و فرهنگی، د) مدیریت هیجان‌ها و مواجهه با بحران‌ها. در ادامه هر یک از این محورها با استناد به متون دینی و منابع پژوهشی بررسی می‌شود.

الف) تجربه موفقیت‌های عملی

یکی از نخستین مراحل خلق خودباوری در سیره معصومان (ع)، فراهم‌سازی زمینه تجربه موفقیت عملی است. در روان‌شناسی معاصر، بندورا این مرحله را مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری «خودکارآمدی» معرفی می‌کند و آن را تجربه‌ای می‌داند که فرد در آن با تکیه بر توانایی‌های واقعی خویش به نتیجه می‌رسد. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۸۰)

در سیره نبوی نیز این اصل تربیتی به‌وضوح مشاهده می‌شود.

یکی از نمونه‌های روشن و مستند در این زمینه، مأموریت مصعب بن عمیر از سوی پیامبر اکرم (ص) به مدینه است. مصعب جوانی مؤمن، دانا و خوش‌سیرت از اشراف مکه بود که پس از ایمان آوردن، در سخت‌ترین شرایط اجتماعی، ایمان خود را حفظ کرد. پیامبر (ص) پس از بیعت عقبه اول، او را به‌عنوان نخستین مبلغ اسلام به یثرب (مدینه) فرستاد تا مردم آن سامان را با قرآن و تعالیم دینی آشنا کند (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۳۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۲).

در این مأموریت، سه عنصر کلیدی فرآیند تربیت خودباوری آشکار است:

۱. **اعتماد به توانمندی جوانان:** پیامبر (ص) مأموریتی بزرگ و حساس را به جوانی واگذار کرد که هنوز در آغاز راه تجربه اجتماعی خود بود. این اعتماد پیامبر، به مصعب فرصت داد تا خود را در مقام عمل بیازماید. این رفتار مطابق با اصل «واگذاری مسئولیت متناسب با ظرفیت» است که از ارکان تربیت خودباورانه در سیره نبوی به شمار می‌آید.

۲. **تجربه موفقیت در عمل:** مصعب با تکیه بر ایمان و توان گفت‌وگو، موفق شد قبایل اوس و خزرج را با قرآن آشنا کند و گروهی از مردم مدینه را مسلمان سازد. ابن سعد نقل می‌کند:

«بعث رسول الله مصعب بن عمیر إلى یثرب یقرئهم القرآن و یفقههم فی الدین»

(ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۲)

این گزارش تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر، فرصت تجربه واقعی مسئولیت و موفقیت را در

اختیار یاران خود قرار می‌داد تا توانمندی آنان بالفعل شود.

۳. تثبیت عزت و خودباوری جمعی: مأموریت مصعب نه تنها خودباوری فردی او را تقویت کرد، بلکه سبب شد جامعه کوچک مسلمانان مدینه احساس کند که می‌تواند با اتکا به ایمان و عمل خویش مسیر جدیدی در تاریخ بگشاید. این تجربه جمعی از موفقیت، زمینه‌ساز شکل‌گیری نخستین حکومت اسلامی شد که تجسم عملی خودباوری امت بود. از منظر فرآیندشناسی، این رخداد تاریخی مصداق بارز «خلق تدریجی خودباوری» است؛ یعنی پیامبر(ص) از مرحله اعتماد به جوان، تا تجربه موفقیت و سپس تثبیت جایگاه اجتماعی او، تمام مراحل تربیت خودباورانه را طی کرد. همان‌گونه که اسلام‌پور (۱۳۸۶: ص ۶۷) نیز تأکید کرده است، در تربیت اسلامی، «فرصت عمل واقعی» عامل اصلی رشد احساس کفایت و اعتماد به نفس در مؤمنان است.

در نتیجه، مأموریت مصعب بن عمیر نشان می‌دهد که پیامبر(ص) خودباوری را نه با گفتار، بلکه با واگذاری مسئولیت و فراهم کردن تجربه‌های موفقیت عملی در شاگردان خود ایجاد می‌کرد. این شیوه بعدها در سیره سایر معصومان نیز ادامه یافت؛ چنان که امام علی(ع) با واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به یاران شایسته، از جمله مالک اشتر، به آن‌ها امکان تجربه موفقیت در عمل را بخشید (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۴۵۰).

بدین ترتیب، «تجربه موفقیت عملی» در سیره معصومان، نقطه آغاز فرآیند خودباوری است. این تجربه، فرد را از سطح ایمان ذهنی به ایمان فعال و کارآمد منتقل می‌سازد. از نگاه تربیتی، این همان مرحله‌ای است که انسان مؤمن درمی‌یابد توانایی تحقق اراده الهی را در عرصه عمل دارد.

بنابراین اسلام‌پور نیز در پژوهش خود تأکید می‌کند که در تربیت اسلامی، دادن فرصت‌های عملی و میدان‌داری به نسل جوان، مهم‌ترین ابزار برای ارتقای خودباوری است. بدین ترتیب، تجربه موفقیت‌های عملی نخستین حلقه فرآیند خلق خودباوری در سیره معصومان محسوب می‌شود. (اسلام‌پور، ۱۳۸۶: ص ۶۷)

ب) الگوگیری رفتاری

دومین رکن فرآیند، الگوگیری از رفتار معصومان است. نظریه یادگیری اجتماعی نیز تأکید می‌کند که بخش مهمی از شکل‌گیری باور به خود، از طریق مشاهده و تقلید از الگوهای موفق تحقق می‌یابد. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۸۷)

در آموزه‌های دینی نیز معصومان علیهم السلام «اسوه» معرفی شده‌اند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱)؛ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا

لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه/۴)

نمونه‌ای روشن، تربیت یاران خاص توسط امام صادق (ع) است. ایشان نه تنها علوم دینی را تعلیم می‌داد، بلکه با رفتارهای عملی چون ساده‌زیستی، شجاعت در بیان حق و مدارا با مخالفان، الگویی کامل برای شاگردان فراهم می‌کرد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۵). این روش سبب می‌شد که شاگردان علاوه بر یادگیری مفاهیم، به توانایی‌های خود در عمل به آموزه‌ها باور پیدا کنند.

در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) در خطبه ۱۹۳ معروف به «خطبه همام»، صفات متقین را با جزئیات توصیف می‌کند. این توصیف نه صرفاً بیان اخلاقی، بلکه ارائه یک الگوست تا مخاطبان به امکان تحقق این صفات در خویش باور داشته باشند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۶۸۰)

یکی از کارآمدترین راه‌ها برای تقویت خودباوری در دانش‌آموزان، معرفی الگوهای عملی از معصومان و بزرگان دین است. این یافته معاصر تأیید می‌کند که الگوگیری رفتاری بخش مهمی از فرآیند خلق خودباوری است. (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ص ۴۴)

ج) تقویت اجتماعی و فرهنگی

سومین مرحله، تقویت اجتماعی است. معصومان همواره با سخنان و رفتار خود جایگاه اجتماعی مؤمنان را ارتقا داده و کرامت آن‌ها را در جامعه تثبیت می‌کردند. این امر نه تنها عزت فردی، بلکه خودباوری جمعی را نیز شکل می‌داد.

«يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون/۸)؛ امام حسین (ع) در عاشورا با شعار «هیهات منا الذلة» مرز عزت و ذلت را برای امت ترسیم کرد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲). این موضع‌گیری نه صرفاً یک اعتراض شخصی، بلکه اقدامی برای تقویت روحیه عزت‌خواهی در میان پیروان و نسل‌های آینده بود. چنین رویکردی سبب می‌شود که فرد مؤمن خود را بخشی از یک جامعه عزت‌مند بداند و به توانایی‌های جمعی و فردی خویش باور پیدا کند.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «المؤمن أعز من الجبل» (الکافی، ج ۲، ص ۲۴۰). مقایسه مؤمن با کوه، نه تنها استواری فردی را نشان می‌دهد، بلکه نوعی تقویت اجتماعی است که ارزش و کرامت فرد در میان دیگران تثبیت می‌شود.

کرامت اجتماعی مؤمنان به‌عنوان یک اصل الهی در سیره معصومان مورد تأکید است و این

اصل زمینه رشد خودباوری درامت اسلامی را فراهم می‌سازد. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۹: ص ۸۵)

د) مدیریت هیجان‌ها و مواجهه با بحران‌ها

چهارمین رکن فرآیند، مدیریت هیجان‌ها است. خودباوری پایدار زمانی شکل می‌گیرد که فرد بتواند در شرایط بحرانی، احساسات خود را کنترل کرده و به توانایی‌هایش اعتماد کند.

امام علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «الصبر من الإیمان بمنزلة الرأس من الجسد»؛ صبر نسبت به ایمان همچون سر نسبت به بدن است (نهج البلاغه، حکمت ۸۲، دشتی، ۱۳۸۶: ص ۴۵۲). این بیان نشان می‌دهد که کنترل هیجان و پایداری در برابر مشکلات شرط اساسی برای حفظ ایمان و خودباوری است.

در بحار الانوار نقل شده است که امام سجاد علیه السلام، در برابر دشنام دشمنان با سکوت و حلم برخورد می‌کرد و همین رفتار سبب شگفتی و تغییر رفتار طرف مقابل می‌شد (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۵).

همچنین، پیامبر اعظم(ص) در سال‌های نخست دعوت در مکه، بارها هدف تمسخر، دشنام و آزار مشرکان قرار گرفت. در السیره النبویه آمده است که هنگامی که ابوجهل و عقبه بن ابی معیط بر بدن پیامبر زباله ریختند و آن حضرت با آرامش به سوی خانه بازگشت، دخترش فاطمه(س) اشک‌ریزان آن را پاک کرد؛ سپس پیامبر تنها فرمود:

«اللهم اهد قومى فإنهم لا يعلمون»

(ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲۰).

این رفتار حاکی از اوج کنترل هیجان، رحمت و خودباوری درونی است؛ زیرا کسی که به رسالت خویش ایمان دارد، در برابر تحقیرها متزلزل نمی‌شود.

همچنین، در روایات معتبر آمده است: هنگامی که امام علی(ع) در جنگ خندق بر عمرو بن عبدود غالب شد و قصد فرود آوردن ضربت را داشت، عمرو به چهره او آب دهان انداخت. امام در همان لحظه از کشتن او دست کشید و مدتی فاصله گرفت. پس از فروکش کردن خشم، به میدان بازگشت و او را کشت.

پیامبر(ص) فرمود:

«ضربة على يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين»

(مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۷۳)

این رفتار نشان می‌دهد که امام علی(ع) پیش از هر اقدام، هیجان را مهار و عمل را خالصانه برای خدا انجام می‌دهد. این مرتبه از تسلط درونی، نمود کامل خودباوری ایمانی است.

به عنوان مثالی دیگر، در منابع تاریخی آمده است: مردی شامی به امام حسن(ع) دشنام داد.

امام در پاسخ نه تنها مقابله نکرد، بلکه با چهره‌ای آرام فرمود:

«أظنك غريباً، فلو استعبتنا أعتبناك، وإن استطعمتنا أطعمناك، وإن استسقيتنا سقيناك...»
(ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۴، ص ۱۸).

مرد شامی شرم‌زده شد و گفت: «الله أعلم حيث يجعل رسالته.» این واکنش حلم‌آمیز، تجسم مدیریت هیجان و تبدیل نفرت به محبت از مسیر خودباوری اخلاقی است.

در بحارالانوار نیز، نقل شده است که امام زین‌العابدین (ع) در برابر دشنام‌های بنی‌امیه، با سکوت و وقار برخورد می‌کرد و همین رفتار باعث شرمساری و تغییر رفتار آن‌ها می‌شد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۵).

این روش، نشان‌دهنده استقرار کامل بر نفس و تسلط بر هیجان خشم است.

همچنین، در دوران حبس امام کاظم علیه السلام، مأمون و هارون الرشید بارها افراد فاسد را مأمور آزار امام علیه السلام کردند. یکی از مشهورترین روایات مربوط به زنی بدکاره است که به دستور مأمور زندان به تحریک امام گمارده شد، اما امام با سکوت و عبادت شبانه، چنان تأثیری بر او گذاشت که همان زن توبه کرد و به عبادت پرداخت. در عیون اخبارالرضا آمده است:

«كان الإمام يقوم الليل ويصوم النهار، وكان يُؤثر في قلوب حتى الفساق»
(صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۹۱)

در همه این نمونه‌ها، یک حقیقت مشترک مشاهده می‌شود:

مدیریت هیجان در سیره معصومان صرفاً نوعی «خویشتن‌داری اخلاقی» نیست، بلکه نشانه ایمان راسخ به توانایی درونی و اعتماد کامل به مشیت الهی است. چنین آرامش و تسلطی تنها در انسان‌های خودباور پدید می‌آید، زیرا فردی که به رسالت، کرامت و مأموریت الهی خود ایمان دارد، نیازی به واکنش‌های احساسی یا دفاع از خود از طریق خشم ندارد.

به تعبیر دقیق‌تر، حلم و بردباری در مکتب اهل‌بیت (ع) نه نشانه ضعف، بلکه نشانه اقتدار درونی و خودباوری معنوی است؛ زیرا تسلط بر نفس، مقدمه تسلط بر جهان است.

این‌ها نمونه‌های روشن مدیریت هیجان است که خودباوری درونی را به نمایش می‌گذارد. در روان‌شناسی معاصر نیز تأکید شده است که مدیریت هیجانی از عوامل مهم تقویت خودکارآمدی است. (بندورا، ۱۹۹۷: ص ۱۰۶)

بنابراین، آموزه‌های معصومان در این زمینه با یافته‌های علمی هم‌راستا بوده و نشان می‌دهند که مدیریت بحران، بخش تکمیلی فرآیند خلق خودباوری است.

این فرآیند نه تنها فرد را توانمند می‌سازد، بلکه خودباوری جمعی و تمدنی را نیز تقویت می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت سیره معصومان علیهم السلام الگوی کاملی برای بازسازی و تقویت خودباوری در جوامع اسلامی معاصر است.

یافته‌ها و تحلیل

۱. ظرفیت‌شناسی (مرحله بیداری درونی)

نخستین مرحله تربیت خودباوری در سیره معصومان(ع)، «آگاهی‌بخشی به انسان نسبت به ظرفیت‌ها، استعدادها و کرامت ذاتی» است. این مرحله بدون رفتار عملی، صرفاً با خطاب، تذکر و خودآگاهی آغاز می‌شود. قرآن با تعبیر «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) و «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)، انسان را قبل از هر مأموریتی، به شناخت ارزش و توان خویش فرا می‌خواند. امیرالمؤمنین(ع) نیز در کلامی بنیادین می‌فرماید: «رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶)، که نوعی دعوت به بیداری درونی و فهم ظرفیت‌هاست. این مرحله در تربیت مالک اشتر، مصعب بن عمیر و کمیل، با خطاب‌هایی مثل «تو برای مأموریت‌های بزرگ آفریده شده‌ای» آغاز می‌شود (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۱۱).

این مرحله نشان می‌دهد که خودباوری اسلامی بدون خودشناسی آغاز نمی‌شود و این خودشناسی، برخلاف غرب، نه بر پایه تجربه، بلکه بر پایه کرامت الهی و ظرفیت‌های وجودی شکل می‌گیرد.

۲. اعتمادسازی (مرحله تأیید و تقویت باور به توانمندی)

در این مرحله، مربی (معصوم) تلاش می‌کند حس اعتماد به نفس و باور به توانستن را با روش‌هایی مانند تشویق، تأیید، کرامت‌بخشی، استفاده از خطاب‌های بزرگ و احترام اجتماعی تقویت کند.

نمونه دقیق آن در تاریخ اسلام، ماجرای خطاب پیامبر(ص) به زید بن حارثه است که فرمود: «زید، تو از ما هستی و ما از تو» (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۵۱). این جمله، زید را از یک غلام آزاد شده، به یکی از فرماندهان سپاه اسلام تبدیل کرد.

امام صادق(ع) نیز درباره جایگاه مؤمن می‌فرماید: «المؤمنُ أَعزُّ مِنَ الْجَبَلِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۴). چنین جملاتی از جنس باورآفرینی‌اند، نه صرف تعریف یا انگیزه‌بخشی.

این مرحله فراتر از انگیزش روان‌شناختی است. معصوم، فقط احساس خوب نمی‌دهد؛ بلکه مخاطب را به رسمیت می‌شناسد، منزلت اجتماعی ایجاد می‌کند، و قابلیت را به صورت مسئولیت در او تثبیت می‌کند.

۳. مسئولیت‌دهی (مرحله تبدیل استعداد به رسالت)

در سیره معصومان(ع)، مسئولیت دادن، فقط نوعی اعتماد نیست؛ بلکه روش تربیت است. پیامبر اکرم(ص) فرماندهی سپاه را به اسامه بن زید در سن حدود ۱۸ سالگی واگذار کرد، در حالی که در سپاه او ابوبکر، عمر و بسیاری از صحابه بزرگ حضور داشتند (طبری، تاریخ الامم

والملوک، ج ۲، ص ۶۰۱)

همچنین امام علی(ع)، مالک اشتر را با عبارتی مدیریتی و اعتمادساز، به حکومت مصر منصوب کرد و او را «برادر، هم‌سنگر و امین» خواند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این مرحله مهم است چون در منطق اسلام، خودباوری بدون مسئولیت‌دهی اتفاق نمی‌افتد. انسان وقتی باور می‌کند که می‌تواند، که «مسئولیت واقعی» به او داده شود، نه فقط تشویق یا تحسین.

۴. تجربه عملی و اصلاح خطا

در این مرحله، فرد مسئول وارد میدان عمل می‌شود، تجربه می‌کند، شکست می‌خورد، موفق می‌شود، و توسط مربی اصلاح می‌گردد. مثال روشن آن، ماجرای مدیریت «مصعب بن عمیر» در مدینه است که مأمور دعوت مردم شد. او ابتدا موفق نبود، اما پیامبر(ص) هرگز مسئولیت را از او نگرفت، بلکه با اصلاح خطا، میدان را برایش باز گذاشت (ابن هشام، السیره، ج ۲، ص ۳۲۴). همچنین در تربیت کامل، امام علی(ع) گاه با بیان توبیخ‌آمیز و گاه با تحسین، به اصلاح رفتار او می‌پرداخت (آمدی، غررالحکم، ج ۴۱۸۲). این مرحله نشان می‌دهد که در سیره، خودباوری در یک فضای حذف خطا تربیت نمی‌شود؛ بلکه خطا بخشی از فرایند است. در این روش، مربی نه شکست را نادیده می‌گیرد و نه فرد را کنار می‌گذارد. این همان نقطه افتراق با مدارس انضباط‌محور امروز است.

۵. تثبیت، هویت‌سازی و مأموریت‌پذیری

مرحله پایانی شکل‌گیری خودباوری واقعی، تثبیت شخصیت و تبدیل فرد توانمند به «انسان مأموریت‌دار» است. در این مرحله فرد خود را نه فقط توانمند، بلکه «مسئول، متعهد، و نماینده دین» می‌داند.

روایت معروف امام صادق(ع): «کونوا لنا زیناً ولا تکونوا علینا شیئاً» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳)، یعنی مؤمن باید تا حدی رشد کند که مایه آبروی دین شود، نه فقط پیرو دین. همچنین امام علی(ع) در خطاب به کامل فرمود: «یا کامل، الناس ثلاثه...» (نهج البلاغه، حکمت ۱)، و او را از پیرو به نقش‌آفرین و مربی ارتقا داد. در این مرحله، خودباوری فرد، دیگر یک مهارت روان‌شناختی نیست؛ تبدیل به هویت، رسالت و نقش تمدنی می‌شود.

هدف تربیت در سیره، پرورش فرد موفق نیست؛ پرورش انسان مؤثر، امین و مأموریت‌دار است. این همان نقطه‌ای است که پژوهش حاضر را از نظریه‌های روان‌شناختی و تربیت غربی متمایز می‌کند.

نتیجه گیری

مفهوم خودباوری در روان‌شناسی، مفهومی فردی، تجربی و مهارت‌محور است که در نظریه بندورا مبتنی بر چهار منبع اصلی (تجربه موفقیت، مشاهده الگو، تقویت اجتماعی و تنظیم هیجان) تبیین شده است. اما یافته‌های این پژوهش نشان داد که خودباوری در منطق اسلامی، مفهومی برتر، عمیق‌تر و چندلایه است که از سطح مهارت روان‌شناختی فراتر می‌رود و به یک فرایند تربیتی-اخلاقی و مأموریت‌محور تبدیل می‌شود. در منطق دینی، خودباوری نه تنها ناظر به توانستن، بلکه ناظر به مسئول بودن، مأموریت داشتن و قابلیت ایفای نقش در ساخت جامعه الهی است؛ امری که در روان‌شناسی کلاسیک مورد غفلت واقع شده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که تربیت خودباوری در سیره معصومان(ع)، یک فرایند خطی و تک‌مرحله‌ای نیست؛ بلکه در قالب یک چرخه پنج‌مرحله‌ای شکل می‌گیرد: ظرفیت‌شناسی، اعتمادسازی، مسئولیت‌دهی، تجربه عملی و تثبیت هویت. این فرایند نشان می‌دهد که باور به خود، نه با آموزش مستقیم، بلکه با تجربه واقعی مسئولیت، اعتماد اجتماعی و هدایت اصلاحی معصوم شکل می‌گیرد. همچنین برخلاف نظریه‌های غربی که خودباوری را صرفاً نتیجه موفقیت می‌دانند، در سیره اهل‌بیت، خودباوری پیش‌نیاز مسئولیت است و گاهی حتی پیش از موفقیت به مخاطب اعمال می‌شود؛ مانند فرماندهی اسامه بن زید یا مأموریت مالک اشتر.

نکته مهم دیگر این است که خودباوری اسلامی یک مفهوم صرفاً فردی نیست؛ بلکه عنصر اصلی در تربیت انسان مأموریت‌دار برای ساخت جامعه ایمانی است. فرد در مرحله تثبیت، نه فقط دارای اعتماد به نفس، بلکه دارای رسالت، هویت اجتماعی و احساس نمایندگی دین می‌شود. از این منظر، خودباوری نه تنها با تکبر منافات دارد، بلکه اساس تواضع، مسئولیت و نقش‌آفرینی اجتماعی است و همین ویژگی آن را از غرور و خودبسندگی متمایز می‌سازد.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر، ارائه مدل تربیت خودباوری در سیره اهل‌بیت(ع) با تأکید بر ماهیت رسالت‌محور، اخلاقی و اجتماعی آن است؛ مدلی که قابلیت کاربرد در نظام تربیتی اسلامی، تربیت مدیران متعهد، آموزش دینی، تعلیم و تربیت رسمی و حتی طراحی الگوی پرورش نیروی انسانی در جامعه اسلامی را دارد. این پژوهش نشان داد که خودباوری اسلامی تنها یک توانایی ذهنی نیست، بلکه محصول ایمان، کرامت‌باوری، اعتماد اجتماعی، مسئولیت و تجربه عملی است.

بنابراین، اگر نظریه بندورا بر «باور به توانستن» تأکید می‌کند، سیره اهل‌بیت(ع) بر «باور به توانستن به خاطر مسئول بودن» تأکید دارد. این تحول، مهم‌ترین دستاورد پژوهش است و می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری نظریه بومی-اسلامی خودباوری قرار گیرد.

فهرست منابع

الف) منابع قرآنی

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای. (۱۴۰۱ق)، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

ب) منابع حدیثی و سیره‌ای

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۲. ابن‌سعد، محمد. (۱۴۰۵ق)، الطبقات الكبرى. بیروت: دار صادر.
۳. ابن‌هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵ق)، السیره النبویه. قاهره: مکتبه مصطفی الحلبي.
۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۷ق)، تاریخ الامم والملوک. بیروت: دارالتراث.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق)، الکافی. قم: دارالحدیث.
۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. شیخ صدوق. (۱۳۹۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸. شریف رضی. (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه. تحقیق صبحی صالح. بیروت: دارالهجره.

ج) منابع اسلامی و تربیتی معاصر

۹. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۵)، اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: صدرا.
۱۱. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶)، شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸)، کرامت انسان در قرآن. قم: اسراء.
۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲)، تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵)، انسان و ایمان. تهران: صدرا.

د) منابع روان‌شناختی و نظری

15. Bandura, A. (1997) Self-Efficacy: The Exercise of Control. New York: W.H. Freeman.
16. Bandura, A. (1999) "Social Cognitive Theory." Annual Review of Psychology.
17. Ryan, R., & Deci, E. (2017) Self-Determination Theory. New York: Guilford Press.
18. Rogers, C. (1961) On Becoming a Person. Boston: Houghton Mifflin.
19. Rosenberg, Morris. (1965) Society and the Adolescent Self-Image. Princeton University Press.
20. Allport, G. (1937) Personality: A Psychological Interpretation. New York: Henry Holt.

هـ) مقالات علمی-پژوهشی منتخب برای استناد

۲۱. احمدی، محمد. (۱۴۰۰) «بررسی نقش کرامت انسانی در تربیت اسلامی». پژوهش‌های تربیتی اسلامی
۲۲. موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۹) «تحلیل تربیتی سیره پیامبر در تربیت نیروهای توانمند». پژوهشنامه تعلیم و تربیت اسلامی.
23. Armstrong, Kate (2020). "Islamic Moral Education and Character Building." Educational Research Journal.